

## مضامین شرقی در موسیقی روس و شوروی

خاور زمین و موسیقی آن مدت‌هاست که در میدان دید آهنگسازان روس درآمده است. از این لحاظ پیش از همه میباید از **میخائیل گلینکا**، بنیانگذار موسیقی کلاسیک روس، نام برد.

گلینکا در جوانی زبان فارسی می‌آموخت و به زندگی و هنر کشورهای شرق سخت علاقمند بود و به نغمات ترانه‌ها و رقص‌های قفقاز دیگر نواحی گوش فرا میداد. و این تاثرات برایش کافی بود تا صفحات شگرف موسیقی کلاسیک با طرح‌ها و تم‌های شرقی در وجودش آورد. این پرنبوغ او به نام «روسلان و لیودمیلا» شامل یک «آواز جمعی ایرانی» است که در آن روی نغمگی یک ترانه اصیل عامیانه کار شده است. در همین «رقص‌های شرقی» ترکی و عربی و لرگی وجود دارد که از منابع فولکلور گرفته شده، همچنین بخشی از یک ترانه عربی صفحه‌ای از اپرای «روسلان و لیودمیلا» را آذین بخشیده است. مطالعات شرقی درخشندگی و اصالت خود بر کلیه آثاری که آهنگسازان اروپائی در این زمینه بوجود آورده‌اند مزین دارد. میتوان گفت که او صفحه تازه‌ای در زمینه خاورشناسی موسیقی باز کرده است.

سرمشق گلینکا الهام بخش معاصران جوان و پیروان او گردید. **الکساندر دارگومیزسکی** اثری بنام «آهنک عربی» بوجود آورد. مضامین شرقی جای مهمی را در آفرینش هنری آهنگسازان «گروه نیرومندان اشغال کرد».

رئیس این گروه، آهنگساز میلی **بالاکیرف**، موسیقی شرقی را بسوی دوست میداشت و در قفقاز به مطالعه آن پرداخت و آرزو داشت بر آشنائی بیشتر با آن به ترکیه و ایران سفر کند. او آهنگهای شرقی



درفانتزی معروف خود برای پیانو به نام «اسلامی» و منظومه سمفونیک «تامارا» گسترش داده است .

همکاران بالاکیرف یعنی **موسورگسکی** ، **بورودین** و **ریمسکی - کورساکف** صفحات درخشانی از موسیقی شرقی نوشته‌اند .

رقص و آواز جمعی پولووتسی‌ها در اپرای «شاهزاده ایگور» اثر بورودین در سراسر جهان شهرت یافته است . این رقص‌ها و آوازها بر پایه مطالعه عمیق آهنگ‌های آسیای میانه ساخته شده است . آهنگساز هیچیک از آنها را عیناً یکار نمیگیرد ، بلکه با احساس عمیق خصلت و خصوصیت آنها آزادانه به آفرینش موسیقی میپردازد و صفحات درخشانی پدید می‌آورد که هر کس یک بار آن را بشنود هرگز فراموش نخواهد کرد . بورودین همچنین رهانسی بنام «آهنگ عربی» نوشته که در آن از یک نغمه عربی که بوسیله یک خاورشناس روس به سمعش رسیده بود استفاده کرده است .

در ردیف بورودین ، باید از دوست او ریمسکی کورساکف و سوئیت مشهور «شهرزاد» وی نام برد . در این اثر دوستی و آرزومندی آهنگساز روس نسبت به شرق تجلی یافته است . درباره منابع فولکلوری «شهرزاد» میتوان قضاوت‌های گوناگونی کرد ، ولی در این موسیقی چندان شور و شوق و چندان شعر و تخیل والا هست که آن را بهترین تجلی سمفونیک افسانه‌های «هزار و یکشب» کرده است . - اثری که در همه کشورهای پیوسته در تالارهای کنسرت اجرا میشود .

در موسیقی ریمسکی کورساکف ماهواره به مضامین شرقی برمیخوریم ، از جمله در اپراهای «ملاده» و «خروس زرین» و در رهانسی‌ها و دیگر آثار او . آهنگساز مصالح آثار خود را هم از نوشته‌های فولکلوری و هم از خاطرات و تأثرات شخصی خود فراهم می‌آورد . می‌دانیم که او به قفقاز و ترکیه سفر کرده بود و هنگام بازدید از نمایشگاه جهانی پاریس ، بارها در مجلس نوازندگان الجزایری که به تحسینش و امید داشته‌اند حضور یافته بود .

در میان آثار ریمسکی کورساکف یک سمفونی بنام «عنتر» وجود دارد که بر مضمون یک افسانه عربی از روی روایت خاورشناس روس اوسیب سنکوفسکی نوشته شده است . مضمون اساسی نغمات این سمفونی از یادداشت‌های فولکلوری **فرانسیمکو سالوادور دانیل** به نام «آلبوم دوازده ترانه عربی و مغربی و قابیلی» اخذ شده است . نام فرانسیمکو سالوادور دانیل که دوازده سال در الجزایر بسر برده و با علاقه فراوان در موسیقی عربی مطالعه مینموده به اندازه کافی برای اهل فن آشناست . می‌خواهم اینجا درباره مؤلف مجموعه دیگری که ریمسکی کورساکف از آن استفاده میکرد ، یعنی درباره **الکساندر خریستیانوویچ** ، موسیقی‌دان روسی ، سخن بگویم .



الکساندر کریستیانوویچ پیانیست بسیار خوب و دارای معلومات فراوان بود . در ۱۸۶۱ ، هنگام اقامت خود در الجزایر ، توانست یک رشته ترانه و آهنگ یادداشت کند و برای تالیف اثر خود به نام « مقاله تاریخی درباره موسیقی انجرب از زمانهای گذشته ، همراه با تصاویر سازها و چهل آهنگ که بوسیله الکساندر کریستیانوویچ ثبت و هارمونیزه شده است » مطالب لازم را گرد آورد . این اثر بسال ۱۸۶۳ انتشار یافت و ریمسکی کورساکف هنگام ساختن سمفونی « عنتر » از آن استفاده میکرد . کریستیانوویچ نخستین محقق روسی موسیقی عربی بود . نام او و عنوان اثرش در فرهنگي که بسال ۱۹۳۶ در بیروت انتشار یافته قید گردیده است .

میتوان به ذکر نام آهنگسازان قرن گذشته روسیه که از مضامین شرقی الهام گرفته اند ادامه داد . ولی سخن تنها بر سر شماره آنان نیست ، بلکه تاکید بر جهت شرقی بارز موسیقی کلاسیک روس است که به نوبه خود مظهر جنبه وسیع تر و عمومی تری میباشد که میباشد در باره آن جداگانه سخن گفت .

موسیقی کلاسیک روس بر مبنای آهنگ های ملی که همواره منبع الهام آهنگسازان بوده است گسترش و تکامل پذیرفت . در عین حال ، آهنگسازان روس همیشه فرهنگ دیگر ملت ها را عمیقاً درک میکردند و برای خلاقیت آنان ارچر احترام قایل بودند و پی میبردند که عالی ترین وظیفه هنر نزدیکتر ساختن مردم همه کشور ها به یکدیگر و ایجاد حسن تفاهم میان آنهاست . و علاقه پرشور آهنگسازان کلاسیک روس به مضامین شرقی ، که خود گواهی بروسعت نظر آنان است ، از همین جاسر چشمه میگیرد . این سنت احترام به میراث فرهنگی کلیه ملت ها ، در هنر موسیقی شوروی به نهایت رشد و گسترش خود رسیده است . موسیقی شوروی سرشتی کثیرالمله دارد و با کار آهنگسازان کلیه جمهوری های شوروی که برادرانه به هم کمک می کنند ایجاد میگردد .

در مورد آهنگسازان روس باید گفت که آنها به کار خود در زمینه مضامین شرقی ادامه داده کمک بزرگی به گسترش و تکامل هنر موسیقی در جمهوری های آسیای میانه و قفقاز کرده اند . آهنگسازان شوروی همگی در یک خانواده بزرگ دوستانه زندگی میکنند و سرگرم کار مشترکی هستند . رشد و گسترش سنت های ملی در موسیقی بدون مطالعه عمیق فولکلور امکان پذیر نیست . این کار در روزگار ما دامنه وسیعی کسب کرده کلیه جمهوری ها را در بر گرفته است . موسیقی دانان شوروی برای نخستین بار در جهان اقدام به نشر اثر بزرگی درباره فولکلور ملت های آسیای میانه کردند که تصور ما را درباره موسیقی شرقی بنحوی فوق العاده وسعت و غنابخشیده است .



**الکساند زاتایه‌ویچ** بیش از دوهزار ترانه و آهنگ کازاخی را یادداشت کرد و برای این کار پانزده سال در دشت و بیابان به سفر پرداخت و همه جایی خوانندگان و نوازندگان با استعداد گشت. زیبایی موسیقی کازاخی را او برجهانیان مکشوف ساخت و آثار او نه تنها توجه آهنگسازان بلکه نویسندگان بزرگی چون گورکی و رومن رولان را به خود جلب کرد. در سال ۱۹۲۹، هنگامی که گورکی با مجموعه «هزار تصنیف کازاخی» اثر زاتایه‌ویچ آشنائی حاصل کرد، چنین نوشت: «باشنیدن این ترانه ها نه تنها اندیشه موسیقی آینده بلکه همچنین آینده کشوری در مخیلهات صبر بر میدارد که در آن مردم زحمتکش که به زبان های مختلف سخن می گویند احترام به یکدیگر را می آموزند و همه زیبایی هائی را که از گذشته اندوخته اند در زندگی مجسم میسازند. چنین باید باشد و چنین هم خواهد شد...»

در واقع، کار جمع آوری و انتشار موسیقی ملی، بویژه هنگامی که دورنماهای کاملاً تازه ای میگذشاید، دارای اهمیت اجتماعی و آفری بوده است و میباید. یکی از کسانی که در این زمینه کوشیده اند **ویکتور ازسپنسکی** است که کارهای بسیار زیادی برای ثبت و بررسی موسیقی ازبکستان و ترکمنستان انجام داده است. اثر بزرگ او که با همکاری **ویکتور بلیایف** نوشته شده وزیر عنوان «موسیقی ترکمنستان» انتشار یافته از شهرت وسیعی برخوردار است. تازگی مطالب و دقت یادداشت ها و مدارک علمی، این اثر را برای همه کسانی که خواستار آشنائی با موسیقی ملی ترکمنستان باشند بسیار با اهمیت گردانیده است. **اوسپنسکی** همچنین «شش مقام» را در سال ۱۹۲۴ یادداشت کرده منتشر ساخته است. در حال حاضر **فیض اللهیف و صاحبوف** و **شهابوف**، فولکلوریست های ازبک دو مقام «بزرگ» و «راست» را آماده چاپ نموده اند.

همچنین میتوان موسیقی ملی قرقیزستان را که بوسیله فولکلوریست روس **ویکتور وینوگرادوف** گردآوری و ضبط شده است، یا کتاب «پایه های موسیقی ملی آذربایجان» نوشته **عزیز حاجی بگف** آهنگساز برجسته آذربایجانی و بسیاری آثار دیگر را نام برد. ولی بهتر است به شرح وسعت کارهائی که در زمینه موسیقی شرقی در اتحاد شوروی صورت میگیرد و اهمیت همه این کارها برای رشد و تکامل بعدی موسیقی کثیرالملله شوروی بپردازیم.

آشنائی با موسیقی ملی البته بدون مراجعه به مجموعه های چاپی هم میسر است، چه نغمه های آن پیوسته در کنسرتها و رادیو شنیده یا بخش میشود. سولویست ها و دسته های همسرایان و ارکستر ها و گروه های حرفه ای و آماتوری آثار موسیقی ملی را اجرا می کنند. بسیاری از این آثار نه تنها در جمهوری خود بلکه در سراسر کشور شوروی قبول عام



یافته‌اند. در اینجا باید آزارکستر بسیار خوب ملی کازاخ، از آزارکستر ازبکی که رهبری آن‌ها با فولکلورشناس برجسته **طغتاسین جلیاروف** بود و همچنین از گروه نوازندگان پامیر نام برد. همه‌شان بمانند هیئت‌های نوازندگان دیگر جمهوری‌ها کارهای زیادی برای گسترش و تکامل بهترین سنن ملی انجام می‌دهند.

همه این بنگاه‌ها و گروه‌های نوازندگان در دوران شوروی، هنگامی که افق‌های بی‌پایان رشد و تکامل فرهنگ ملی بروی ملت‌های ساکن کشور گشوده‌شد، بوجود آمدند. در جمهوری‌های آسیای میانه تئاترهای اپرا و فیلارمونی‌ها و کنسرواتوارها تاسیس شد و نسل آهنگسازان و نوازندگان ملی بالیدن گرفت. آنان هنر ملی خود را بسیار پیشرفت دادند و آن را با آثارهای تازه غنی ساختند. مثلاً موسیقی ازبکستان در گذشته با آواز همسرانی آشنائی نداشت، ولی اکنون **موتال برهانوف**، آهنگساز ازبک، آثار برجسته‌ای که کاملاً دارای روح ملی میباشد برای دسته‌های همسران ساخته است. همچنین سمفونی‌ها و اپراها بوجود آمد که در گذشته نبود. فرهنگ موسیقی آذربایجان و ارمنستان و گرجستان پیشرفت بسیار حاصل نمود و در همه جا آموزشگاه‌های ملی آهنگسازی دایر شد که از قبول عام برخوردار گردید. کافی است آهنگسازی مانند **آرام خاچاطوریان** را در نظر آوریم. او در سالهای کودکی و جوانی در تعلیم از نزدیک با موسیقی ملی ارمنی و همچنین موسیقی گرجی و آذربایجانی آشنا شد. سپس در مسکو دست آورده‌های موسیقی کلاسیک روس و اروپای غربی را عمیقاً فرا گرفت و همین او را به ترکیب عناصر گوناگون همه این فرهنگ‌های موسیقی که وجه مشخص آثار اوست کشاند. غنا و خود ویژگی و رختندگی و تازگی عناصر موسیقی آرام خاچاطوریان که او را در نخستین صف آهنگسازان قرن قرار داده است بر همه کس معلوم است. این نمونه‌ای از باروری نظریه ترکیب عناصر موسیقی ملل مختلف میباشد و بخوبی میتوان دریافت که چرا آثار خاچاطوریان توجه دقیق آهنگسازان رفته‌تنها در ارمنستان، بلکه همچنین در دیگر کشورها بسوی خود جلب کرده است و میکند.

البته، در هنر هر کسی راه خود را میجوید و میکوشد تا سخن خاص خود را بگوید. ولی مسئله تکامل سنت‌های ملی در شرایط و احوال معاصر همه کس را به شور و هیجان می‌افکند. موسیقی مشرق زمین در طول قرن‌ها بطور کاملاً مستقل رشد و تکامل یافت و سنت‌های خلاقه پرارزشی بوجود آورد. از سوی دیگر در موسیقی اروپائی نیز کارهای زیادی، از جمله در رشته‌هایی که در خاور زمین بسط و پیشرفتی نیافته‌اند، صورت گرفت. در جمهوری‌های خاوری شوروی اکنون کار بزرگی در



زمینه حفظ و گسترش کلیه بهترین آثاری که نوازندگان و خوانندگان با استعداد ملی بوجود آورده‌اند انجام میگیرد. در عین حال آهنگسازان می-کوشند تا مرزهای کهن را گسترده‌تر کنند و آن را با عناصر تازه غنابخشند. خودزندگی همین را طلب میکند.

اینک يك نمونه : آهنگساز معاصر آذربایجانی، **فکرت امیروف**، اثری سمفونیک بوجود آورده است که در آن از مصالح نغمگی دو «مقام» استفاده شده است. بر کسانی که با موسیقی مقام‌ها آشنائی دارند پیداست که آهنگساز به حل چه مسئله دشوار و بغرنجی همت گماشته است و چه ابتکار نوآورانه‌ای مییابد در این اثر وارد کرده باشد.

اصول خلاقه او را میتوان به طرق گوناگون ارزیابی کرد، ولی دو مقام سمفونیک او به نامهای «شور» و «کردی افشار» با موفقیت بسیاری خواه در باکو و خواه در مسکو، و همچنین در خارجه، اجرا گردید.

نوجوئی های آهنگسازان جمهوری‌های ملی بسیار متنوع بوده است. کوشش‌هایی برای ایجاد اپراهایی بر مبنای روایات فولکلوری برای يك صدا و بهمراهی سازهای ملی بعمل آمده است. اینگونه آثار با استقبال مردم روبرو شده در زمان خویش نقش مهمی ایفا کرده است. از سوی دیگر، آهنگسازان فعالانه در زمینه دستیابی بر میراث غنی هنر جهانی اپرانویسی کار کرده‌اند. از جمله، عزیز حاجی بگف، آهنگساز آذربایجانی، اپرایی به نام «کراوغلی» نوشته که در آن مضامین حماسی ملی در قالب‌های اپرایی وسیعا تکامل یافته‌ای در آمده است. این اپرا اکنون یکی از درخشان‌ترین صفحات موسیقی آذربایجان گردیده است. ضمنا باید متذکر شد که اپرا - کمیک همین آهنگساز به نام «آرشین مال‌آلان» نیز با موفقیت فراوان در بسیاری از صحنه‌ها اجرا شده است.

دیگر از کسانی که قالب موسیقی کلاسیک اپرایی را بکار برده‌اند **موکان توله‌بایف**، آهنگساز کازاخ است در اثر خود به نام «بیرژان و سارا». و این استفاده اواز قالب کلاسیک اپرایی وی را از بارشکفتن خصلت ملی‌اثر خود مانع نگردید، بلکه برعکس به موسیقی اونیروی القاء کننده و بلاغت تازه‌ای بخشید. نباید فراموش کرد که برای جمهوری‌های آسیای میانه، اپرا شیوه بیان کاملا تازه‌ای بود و آهنگسازان برای ایجاد سنت‌های ملی در این زمینه میبایست تجارب موجود را مورد استفاده قرار دهند. آنان اپرای‌های بسیاری نوشتند که بهترین آنها توفیق نبول کسب کردند و در برنامه باقی ماندند. از آن جمله است اپرای «آی چورک» به زبان قرقیزی، اثر آهنگسازان **ولاسوف و فره**، و همچنین يك رشته آثار دیگر.

می‌بینیم که پس از انقلاب، آهنگسازان روس نه تنها با الهام یافتن از موسیقی مشرق به خلق آثار خود ادامه دادند، بلکه در رشد و پیشرفت



فرهنگ موسیقی خاورزمین شوروی فعالانه شرکت جستند. بسیاری از ایشان در امر سازمان دادن موسسات موسیقی جمهوری های نو بنیاد کمک کردند، خود به تعلیم موسیقی پرداختند، آثاری برای تئاترهای ابراساختند و برخی شان، مانند ولاسف و فره که در بالانام بردیم، سالیان دراز از عمر خود را وقف کار در جمهوری های آسیای میانه نمودند. و این هم باز به نوبه خود برای رشد خلاقیت هنری شان اهمیت فراوان در برداشت و بدانها کمک کرد تا آثار برجسته ای بوجود آورند. از این راه بود که موسیقی نوین شوروی بر پایه مضامین و آهنگ های شرقی پدید آمد. معمولا نویسندگان آنها فولکلور شرقی را در محل مطالعه میگرداند و تحت تأثیر بلاواسطه آنچه دیده و شنیده بودند به خلق آثار می پرداختند.

بدین گونه رینگولد گلی برای «شاه صنم» خود را بر اساس مطالعه عمیق فولکلور آذربایجان تصنیف کرد. سفری به تاجیکستان به لئوکنی پر کمک نمود تا سوئیت سمفونیک «وانچ» را که یکی از معروفترین آثار اوست بنویسد. سرگمی و اسپیلنگو در سوئیت سمفونیک «خاور شوروی» مناظر رخشنده ای را از زندگی نوینی که در سرزمین کهن شکفته میشود بدست داده است. دمیتری شوستاکوویچ هم امروزه قرقیزی خود را پس از سفری به کوه های قیان شان نوشته است.

نام بردن همه آثار موسیقی شوروی روسی که در آن از مضامین شرقی استفاده شده است بسیار دشوار است. همینقدر به ذکر این نکته می پردازیم که این آثار، که تعدادشان هم زیاد است، گذشته از اهمیت هنری خود مبین آرمان های دوستی ملل شوروی با بیان موسیقی نیز میباشند. تصادفی نیست که رینگولد گلی یکی از امروزتورهای خود را «دوستی ملل» نام داده است. - این یکی از مهمترین اصول رشد و تکامل سراسر فرهنگ موسیقی شوروی است.

در چنین محیط دوستی و همکاری است که هنر موسیقی شرق شوروی رشد و تکامل میابد. در سالهای گذشته کارهای بسیاری انجام گرفت و مهمتر از همه البته افزایش تعداد آهنگسازان و نوازندگان با استعدادی است که در زندگی موسیقی مقام بس شامخی بدست آورده اند. بسیاری از ایشان شهرت فراوانی کسب کرده اند و آثارشان همه جا اجرا میشود و توجه علاقمندان به موسیقی را جلب میکند. بدنیست باز به ذکر نام تنی چند پردازیم.

پایه های موسیقی حرفه ای جمهوری های قفقاز در اوایل این قرن بوسیله آهنگسازانی مانند عزیر حاجی بگف در آذربایجان کوهیتاس و اسپندیارف در ارمنستان، دمیتری آرگیشویلی و زاخاری پالیاشوینی در گرجستان گذاشته شد. بذری که آنها کاشتند در زمان ما ثمرات



شگرفی به بار آورد ، چنانکه موسیقی در قفقاز شکوفان گردید و در هر یک از جمهوریها مکتب های ملی آهنگسازی بوجود آمد که از احترام عمیق همکاران و محافل وسیع علاقمندان به هنر موسیقی برخوردار میباشند . و در واقع ، مگر میتوان به کوارتت های **تالی نو و تغان** **نمین سعادزه** ، یکی از با استعدادترین آهنگسازان سالهای پنجاه این قرن ، یا به اپراها و اراتوزیوهای **اوتارتا کتاکیشویلی** که با آن یک همسن و سال است ارج بسیار نگذاشت ؟

همچنین باید از نماینده نسل ارشد آهنگسازان گرجستان ، **شالواشی ولیدزه** نام برد که چندین اپرا و سمفونی تصنیف کرده است همه آنان دلیرانه سنت های ملی موسیقی گرجی را تکامل می بخشند .

پیش از این درباره **فکرت امیروف** ، آهنگساز آذربایجانی ، و کار او در زمینه تنظیم سمفونیک مقام ها سخن گفته ایم . **قره قره برف** ، شناگرد دمیتری شوستاکوویچ ، که یکی از معروفترین موسیقی دانان شوروی و رئیس کنسرواتوار باکو میباشد ، مسئله تکامل سنت های ملی را به شیوه خاص خود حل میکند . از آثار او باید بابت « هفت پیکر » (از روی منظومه معروف نظامی گنجوی) و بابت « از راه باریک رعد » را که در بسیاری از صحنه های تئاتر شوروی به نمایش گذاشته میشود نام برد . **قره قره برف** مصنف سه سمفونی و آثار دیگری است که در آن ها نوجوئی و ابتکار جسورانه ای به چشم میخورد . او استاد کرسی کمپوزیسون و مربی جوانان با استعداد میباشد .

از آهنگسازان ارمنی باید از **ادوارد میرزایان** مصنف چندین سمفونی برای سازهای زهی و ضربی نام برد ، و همچنین از **آرنو باباجانیان** که در کنسرتو و یولونسل خود در آثاری که برای پیانو نوشته شده است چهره درخشانی از خود نشان داده است . آرنو باباجانیان عناصر موسیقی ملی ارمنی را بنحوی بسیار جالب گسترش میدهد و بابیان بلیغ نوین توام میسازد .

نخستین آهنگساز اوغوری و رئیس کنسرواتوار **آلماتا ، قوس کوژه میارف** ، آهنگسازی بسیار مستعد و شخصیت اجتماعی فعالی است که کارهای زیادی برای پیشرفت موسیقی کازاخستان انجام میدهد .

در ازبکستان ، **همردیف با موتال برهانوف** که در بالا نام بردیم ، باید از سبب بابایف ، رئیس اتحادیه آهنگسازان ازبکستان و مصنف آثار گوناگون نام برد . در ترکمنستان **ولی موخاتف** شخصیت بارزی کسب کرده است . ولی این سخنی است که میتوان درباره بسیاری از آهنگسازان آسیای میانه گفت که زندگی موسیقی کشورهای خود را چنان دگرگون کرده اند که نمیتوان باز شناخت . آنان تاکنون چندان آثار جالب خلق کرده اند که برای پر کردن برنامه های چندین جشنواره خواه در محل و خواه



در مسکو بخوبی کفایت کرده است .

این جشنواره ها ، یاده های هنرهای ملی در مسکو ، منظمآ مبدل به جشن های واقعی هنر موسیقی جمهوری های شوروی میگردد . در این جشنواره ها نمایش های اپرا و باله و کنسرت های سمفونیک و هنر نمائی سولیست ها و دسته های ملی ترتیب داده میشود و این همه توجه مردم را که بگرمی از نوازندگان و هنرپیشگان و آهنگسازان استقبال می کنند جلب مینماید .

آهنگسازان شوروی آثار بسیاری به شیوه ها و اشکال مختلف پدید آورده اند . در این موسیقی نوین شرقی است که از زندگی و کار مردم شوروی الهام گرفته است . با در نظر گرفتن و فور آثار موسیقی ، امکان سخن گفتن حتی درباره بزرگترین و برجسته ترین شان در اینجا نیست . همینقدر به خود اجازه میدهیم که درباره برخی از آنها که بمناسبت موضوع خود از چارچوبه یکی از فرهنگ های ملی خارج شده جنبه عمومی تری کسب کرده اند اشاره ای بکنیم .

برخی موضوع ها و سوژه ها مدت ها است جزو گنجینه فرهنگی بسیاری از ملت های شرق درآمده است ، که هر یک روایتی از همان افسانه ها و حماسه های شاعرانه دارند . از آن جمله است افسانه ایلی و همچنین که الهام بخش نظامی بوده و بارها توجه آهنگسازان شوروی را به خود جلب کرده است . آهنگسازان شوروی بر مبنای این افسانه سه اپرا ساخته اند :

عزیز حاجی بگف در آذربایجان ، گلی یر در ازبکستان و صدیقرف در ترکمنستان . قره قره یف نیز از همین افسانه برای ساختن منظومه سمفونیک و سرگشی بالاسانیان برای تصنیف بالتی که روی صحنه بالشموی تئاتر مسکو به نمایش گذاشته شد و فیلمبرداری هم گردید استفاده کرده اند .

موضوع دیگر منظومه «هفت پیکر» نظامی است که در باله قره قره یف چنانکه گفتیم تجسم یافته و در باکو و لنینگراد و بسیاری از شهر های دیگر بروی صحنه آمده است .

موضوع های نظم کلاسیک هند نیز آهنگسازان را جلب میکند . مثلاً بالاسانیان باله «شکرنتلا» متعجبس از درام جاویدان کالیداسی را که پس از پانزده قرن زیبایی و دلفریبی خود را از دست نداده است ، بوجود آورد .

آهنگساز برای این کار به مطالعه دقیق موسیقی هندی پرداخت و دوبار بدانجا سفر کرد . شالو و امشولیدزه نیز بر اثر سفری به هند «فانتزی هندی» خود را برای ارکستر سمفونیک تصنیف نمود . سیمای ایران هم در سمونیت سمونیک «ماکو» اثر لئوکنی پر تجسم یافته است .



مشرق زمین پیوسته توجه آهنگسازان روسی را در قرن گذشته به خود جلب میکرد. در موسیقی معاصر شوروی هم موسیقی مشرق زمین جای مهمی دارد. روی آوردن به مضامین شرقی آهنگسازان را فوق العاده غنی تر ساخته حدود وسایل بیان آنان را گسترش داده است. البته این سخن صرفاً درباره رشته موسیقی گفته شده است، ولی اگر موضوع را وسیع تر بتوان کنیم باید نقش بزرگی را که روی آوردن به موضوعات شرقی برای توسعه و تحکیم روابط دوستانه و حسن تفاهم ملل کشور های مختلف در برداشته است خاطر نشان سازیم. مردم شوروی همواره به موفقیت های فرهنگی کلیه ملت ها احترام عمیقی قایل بوده اند. طرح و تنظیم موضوعات شرقی هم یکی از مظاهر این گونه احساسات میباشد.

آرزو مندیم که موسیقی مادر آینده نیز به امر بزرگ نزدیکی ملت ها خدمت کند.

مانده از صفحه ۸۶

های سرمایه داری هم نسل های متعدد مردم بر اثر ادبیات شوروی و بهترین آثار هنر شوروی پرورش یافته اند و پرورش مییابند. ادبیات شوروی ناقل حقایق لنینی و ارمان دگرگونی های تازه و اترناسیولیسم پرولتاریائی و تکامل و انسانیت واقعی و بتمام معنی کلام برای زحمتکشان تمام جهان است.

نویسندگان شوروی توجه دارند که آرمانهای عالی مستلزم تجسم هنری درخشان است. کمال هنری آثار هم شرط تفسیر ناپذیر و حتمی تاثیر ادبیات و هنرها در مردم است. بدون رعایت جنبه عالی هنری در ادبیات و هنرها رعایت مقاصد عالی آرمانی هم میسر نیست.

سختگیری عالی نسبت بخود، اصولی بودن، تحکیم پیوند با زندگی ملت، مسئولیت هنرمندان شوروی در مقابل جامعه، و ناداری نسبت به اصول، ملی بودن، حقیقت گوئی، منعکس نمودن مظاهر کثیر زندگی ما بحد کمال و با تمام ثروت های آن - راهی است که ادبیات شوروی باید در این راه به ترقیات عالی جدید و به کامیابی ها و اکتشافات تازه نایل گردد.

ترجمه: رضا آذرخشی